

عدالت اجتماعی، بحث‌های نظری درازدامنی را در پی خواهد داشت. اینکه اساساً آیا می‌توان یک مبنا و معیار (از معیارهای مذکور) را به عنوان اصل عدالت قرار داد یا آنکه لازم است با نگاهی تکثرگرایانه در هر قلمرو از جغرافیای مناسبات اجتماعی، اصول عدالت خاص آن حوزه و قلمرو را تنقیح کرد، از مباحث مهم این بخش از چگونگی عدالت اجتماعی است.

ب) طراحی و مدل‌سازی الگوی عدالت اجتماعی بر حسب نظریه انتخابی در باب معیار و مبنای عدالت اجتماعی. بحث در چگونگی عدالت اجتماعی با مقوله استقرار عدالت و خروج از وضع موجود نا عادلانه به سوی وضع مطلوب عادلانه سروکار دارد و این امر به صرف نظریه پردازی نظری در باب اصول عدالت حاصل نمی‌شود بلکه لازم است در هر عرصه، از اقتصاد و آموزش و بهداشت گرفته تا مناسبات سیاسی و روابط مدیریتی و ساختاری و فرایندی، الگو و مدل استقرار عدالت با ملاحظه و تحلیل وضعیت شناسانه و مبتنی بر نظریه عدالت انتخابی طراحی و پیشنهاد شود.

ج) محور سوم بحث در چگونگی عدالت اجتماعی به بحث در شاخص‌ها و سنجه‌های عدالت اجتماعی مربوط می‌شود که با نگاهی وحدت‌گرایانه یا تکثرگرایانه در هر عرصه از عرصه‌های کلان ساختار مناسبات اجتماعی، شاخص‌ها و سنجه‌های عدالت فهرست و مشخص شود تا فرایند استقرار عدالت قابل نظارت و ارزیابی و پایش باشد.

با توجه به اختصاص کتاب «بازاندیشی عدالت اجتماعی» به بحث در چیستی و چرایی عدالت اجتماعی به محورهای «چگونگی» اشاره نشد.

**عدالت اجتماعی را مخصوصاً در فصل سوم، به مثابه برترین ارزش اجتماعی، تعریف کرده‌اید اما همان طور که می‌دانیم در علوم اجتماعی بر اساس تلقی‌های مختلفی که از هستی اجتماعی وجود دارد، نظریات هنجارین اجتماعی متفاوتی مطرح شده است. فی‌المثل با درک پوزیتیویستی از جامعه، نظریه دورکیم قابل طرح است و با درک مبتنی بر تضاد دیالکتیکی میان دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار، جامعه و به تبع آن، عدالت اجتماعی معنای متفاوت در نزد مارکس پیدا می‌کند. پرسش آن است که بر اساس چه تعریفی از هستی اجتماعی، این ارزش تبدیل به برترین ارزش شده است؟ آیا تلقی عدالت اجتماعی به مثابه ارزش بماهو ارزش، این شائبه را ایجاد نمی‌کند که مسئله در معرض نوعی نسبی‌گرایی قرار داشته باشد؟**

نظریه ارزش اخلاقی فراگیر خودبسنده عدالت که شاخص‌ترین خروجی کتاب نگارنده است، نظریه‌ای معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی است که محصول تأمل فلسفی در باب مفهوم‌شناسی، خاستگاه ارزشی و چگونگی معرفت ما به